

معجزه و هدایت، رمز عظمت حضرت محمد(ص)

در تاریخ اسلام، زندگی و آموزه‌های حضرت رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، مملو از نشانه‌ها و شواهدی است که بر حقیقت رسالت ایشان دلالت دارد.



در تاریخ اسلام، زندگی و آموزه‌های حضرت رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، مملو از نشانه‌ها و شواهدی است که بر حقیقت رسالت ایشان دلالت دارد. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این حقیقت، اعجاز و معجزات ایشان است که همواره قلب‌های مؤمنان را جلب کرده و راه هدایت را روشن ساخته است. بررسی این موضوع، علاوه بر شناخت ابعاد انسانی و الهی پیامبر، به ما کمک می‌کند تا درک دقیق‌تری از نقش ایشان در هدایت مردم پیدا کنیم.

خبرگزاری ایکننا، سلسله درس گفتار رضانی با عنوان پای سخن رسول(ص)، را با بیان عبدالحسین طالعی، استاد دانشگاه، پژوهشگر و نویسنده تهیه کرده است تا در قالبی کوتاه و منظم، نکاتی از سیره، اخلاق و درس‌های زندگی پیامبر اکرم(ص) را مرور کند، آنچه در این مجال تقدیم می‌شود، قصد دارد با تکیه بر روایات معتبر و نقل‌های اصیل، به شرح اعجاز حضرت رسول(ص) بپردازد و نشان دهد چگونه این معجزات، هم وسیله‌ای برای هدایت و اثبات رسالت بوده و هم وسیله‌ای برای آشکار شدن انسانیت ایشان. روایت تفصیلی جناب حسین بن روح نوبختی و سایر منابع معتبر، مسیر ما را در فهم این حقیقت روشن می‌کند و زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا ضمن ارادت و احترام، به عمق آموزه‌های رسالت حضرت رسول(ص) پی ببریم. در ادامه بخش چهارم این درس گفتار را می‌خوانیم و می‌بینیم:

«السلام علیک یا رسول‌الله»

چهارمین نکته‌ای که درباره حضرت رسول(ص) می‌خواهیم در محضر گرامیان عرض کنیم این است که پیغمبر خدا(ص) معجزه داشت. گاهی اوقات این سخن برای برخی سخت و دشوار است، اما قصد دارم بیان خود را درباره اعجاز و معجزات پیغمبر(ص) بر پایه یک روایت تفصیلی، زیبا و استدلالی ارائه کنم. این روایت از جناب حسین بن روح نوبختی، سومین سفیر امام عصر(علیه السلام) است. خود جناب نوبختی تأکید می‌کند که این کلام را از امام عصر(علیه السلام) آموخته و به راوی‌ای به نام محمد بن ابراهیم طالقانی تحویل داده است. محمد بن ابراهیم از اساتید شیخ صدوق بوده و ایشان این روایت را در کتاب «کمال‌الدین» نقل کرده است. همچنین این روایت در منابع دیگر نیز موجود است.

جناب حسین بن روح می‌فرماید: وقتی خداوند متعال پیغمبران را برای هدایت مردم فرستاد، آنان ظاهر بشری داشتند. این ظاهر بشری، که از طرف خداوند برایشان مقرر شده بود، طبیعی بود که باعث می‌شد مخاطب بگوید: «تو که ظاهر مثل ماست، چگونه می‌گویی از طرف خدا آمده‌ای؟»

برای برخی افراد، هدایت و کلام پیغمبر(ص)، که خود حجت خدا بود، نشان می‌داد که او از افقی دیگر و در سطحی بالاتر قرار دارد. اما عده‌ای دیگر، که به ظاهر بسیار اهمیت می‌دادند، نمی‌توانستند به کمالات و محتوای کلام حجت خدا توجه کنند. برای این گروه، معجزه اهمیت ویژه‌ای داشت؛ یعنی انجام کاری خارق‌العاده که روشن کند این پیامبر از سوی خداست.

وقتی پیغمبران معجزاتی انجام می‌دادند، یک آفت دیگر نیز پیش می‌آمد. این آفت مربوط به کسانی بود که سطح درک پایینی داشتند و نمی‌توانستند واقعیت را بفهمند. آن‌ها می‌گفتند: «حالا که تو این کار خارق‌العاده را انجام دادی، پس تو خدایی!»

برای رفع این شبهه، خداوند متعال انبیا و ائمه معصومین را – که ائمه نیز در این جهت همانند انبیا هستند – به گونه‌ای قرار داد که انسانیت آن‌ها آشکار شود؛ گاهی بیمار شوند، گاهی گرسنه شوند، گاهی عاجز شوند، گاهی در برخی امور ناتوانی نشان دهند، گاهی در جنگ دندان‌شان شکسته شود یا گاهی ناراحت شوند. همه این حالات، حالات مخلوق است و نه خدایی.

دقت کنید، هدف این بود که هم کمالات معنوی پیغمبر از طریق معجزه آشکار شود و هم حالات مخلوقی او دیده شود. از یک سو، معجزه وسیله‌ای بود تا مردم جنبه هدایت پیغمبر را به خوبی ببینند و در مسیر هدایت او قرار بگیرند و از سوی دیگر، بدانند که این شخص مخلوق است و نه خالق، تا هرگز گمان نکنند که پیغمبر با خدا یکی شده یا جز خدا شده است. این مسئله برای جلوگیری از برخی تفکراتی است که گاهی در نوشته‌ها و اندیشه‌های بعضی صوفیان دیده می‌شود.

این غلوها نباید درباره پیغمبر یا ائمه رخ دهد، اما در هر حال، اعجاز به عنوان یک ابزار در مسیر هدایت، یک بحث واقعی و جدی است. نمونه‌ای از معجزات پیغمبر را امیرالمؤمنین(ع) در کتاب شریف «نهج‌البلاغه»، به ویژه در خطبه قاصعه، بیان فرموده‌اند.

ایشان به طور مفصل داستانی را نقل می کنند که در آن به درختی گفته شد «به سمت من بیا» و درخت به سوی او آمد، و بقیه ماجراهای مشابه.

متأسفانه، عده ای که میل به هدایت نداشتند و به نفع خودشان نبود، این امور را نمی پذیرفتند و همانجا گفتند: «این سحر است!» به همین ترتیب، همان طور که درباره قرآن برخی گفته اند سحر است، درباره دیگر امور نیز گفتند پیغمبر با کلام خود سحر می کند، زیرا نمی توانستند عظمت پیغمبر را در افق محدود دید خود جای دهند.

به هر حال، عرض من این است که معجزات پیغمبر حق است و واقعیت دارد. البته تأکید می کنم، همان طور که قبلاً در نکته های قبلی اشاره کردم، در این موارد باید به روایت های صحیح و معتبر مراجعه کنیم. با این حال، اگر فهم ما محدود است، نباید این حقیقت را انکار کنیم. خداوند قادر است و می تواند قدرت خود را به نمایش بگذارد و این قدرت نمایی را به شکل های مختلف از طریق برخی از بندگان خاص و خالص خود انجام دهد.

این معجزات رسول الله را ان شاءالله، در سیره امام عصر(علیه السلام) نیز خواهیم دید. امیدوارم خداوند توفیق و لیاقت درک آن ایام را به ما عطا کند.